

# ای دو یادگار دو نفس بزرگوار حضرت عبدالمجید و حضرت سید محسن

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۴۵۴

بواسطه آقا میرزا عبدالحسین سلیل سید محسن و جناب عبدالوهاب ناجی نجل سید محسن علیهما بهاء الله الأبهی

هو الله

ای دو یادگار دو نفس بزرگوار حضرت عبدالمجید و حضرت سید محسن این دو نفس مبارک را آنچه ستایش کم حقیقت اینست که از عهده برنیایم هر دو را جمال مبارک تبلیغ فرموده بنفحات روح القدس زنده شدند و در عراق چون جبل راسخ ثابت و رزین و رصین بودند یک منقبت حضرت عبدالمجید را ذکر مینمایم پسرش عبدالوهاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع از سیاح در سفر اول حضرت مقصود به عراق عرب بشرف لقا فائز پسر استدعای هدایت پدر نمود حضرت عبدالمجید بمجرد تشرّف بحضور ربّ غفور مانند شمع برافروخت و بایمان فائز و چون جمال قدیم مراجعت به طهران فرمودند بمیرزا عبدالوهاب امر کردند که چون پسر وحیدی باید در نزد پدر بمانی و چنانست که همسفر با من باشی و چون حضرت مقصود به طهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت که نائره عشق در قلب آن جوان چنان شعله زد که صبر و قرار نماند و پدر بزرگوار گفت ای پسر هرچند مرا نور بصری حیات جانپوری آتی تحمل فرقت تو ندارم ولی نمیتوانم این پروانه را از شمع آفاق محروم نمایم فوراً عزم طهران کن آن جوان رقص کتان وارد طهران گشت و بجزد ورود دستگیر شد و بزیر زنجیر رفت زیرا واقعه مؤلّه شاه واقع و در سجن مبارک بشرف لقا فائز شد بعد از چند روز میرغضب وارد زندان شد و آن معدن اسرار را پای دار دعوت کرد آن جوان نورانی برخاست و رقصی در نهایت سرور در پیشگاه حضور نمود بعد دست مبارک را بوسید و با یاران مسجون دست در آغوش شد و رسم وداع مجری داشت و بقربانگاه عشق شتافت و در کمال سرور و حبور جان بباخت این خبر وحشت‌آور چون بگوش پدر رسید آن پیر سالخورده سر بسجود آورد و بشهادت پسر شادمانی و طرب و شکر نامتناهی نمود این یک منقبت از مناقب آن بزرگوار است جمیع اوقات خویش را بتحمل صدمات و مشقّات میگذراند و عاقبت سرگون شد و در اسیری جان بجانان تسلیم نمود و اما حضرت آقا سید محسن در عراق بود و بشرف حضور نیر آفاق مشرف گشت و مدت حیات جانفشان بود و سبب هدایت نفوس عدیده گشت صبور و حلیم بود و شکور و مستقیم تا آنکه سرگون بحدبا گشت و در اسیری تحمل فراق



ORIGINAL

نمود در نهایت فقر پیاده در کمال شوق مناجات کنان از حدبا عازم عکا شد تحمل صدمات راه ننمود صحراها را پیاده پیود  
بی زاد و توشه در نهایت شوق جان بباخت حال شما یادگار آن دو بزرگوارید همیشه در خاطرید و این دو زفاف جدید  
مبارکست متیمن است مسعود است پرشکون است از الطاف حضرت مقصود امید چنانست که خاندان آن دو  
بزرگوار الی ابد الآباد مسعود و مبارک و متیمن باشند جناب میرزا محسن الحمد لله محفوظاً مصوناً وارد و بآنچه منتهی  
آمال مقرین است یعنی تقبیل آستان مقدس فائز و اجازه حضور خواسته بودند مأذونید و علیکم البهائم  
عبدالبهاء  
عباس

۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۸

حیفا

جناب عبدالوحید ناجی بیقین بدان که یادگار حضرت متصاعد الی الله سید محسن هستی و مرکز میثاق نهایت مهربانی  
بشما داشته و دارد از عون و عنایت مقصود امیدوارم که در صون و حمایت جمال مبارک محفوظ بوده و هستی و علیکم  
البهائم  
عبدالبهاء عباس